

دکتر سیامک نژاد، دوست، رفیق و همکار می‌رزد

دکتر عباس کبریایی زاده

رئیس مرکز تحقیقات اقتصاد و مدیریت داروی پژوهشکده علوم دارویی دانشگاه علوم پزشکی تهران



جدی، صریح، با نظم مخصوص به خود، وقت را تلف نمی‌کند، یک راست می‌رود سر اصل موضوع. در آن موقع قرار بود در داروخانه نمونه طالقانی کارم را شروع کنم، نامه را گرفتم و رفتم اما تصویر اولی را که از دکتر در ذهنم به جا مانده بود، به طور مرتب مرور می‌کردم. این مدیر داروخانه‌ها باید فردی برنامه محور، جدی، بد اخلاق و ... باشد.

چند هفته‌ای نگذشته بود که در قالب تیم فوتبال سالنی داروخانه‌ها، مسابقه داشتیم، در سالن ورزشی تصویر دیگری از دکتر سیامک نژاد در خاطر من نقش بست. دوستی باحال برای همکاران که فضای

دانشجو بودم که با دکتر سیامک نژاد در داروخانه ۱۳ آبان آشنا شدم. اول بار که مرحوم دکتر سیامک نژاد را در طبقه دوم داروخانه ۱۳ آبان دیدم، برایم تعجب آور بود. مدیر داروخانه‌های دانشکده داروسازی که برای خودش نام و شهرتی داشت، صاحب میزی بود در فضای عمومی حسابداران و مدیر داخلی داروخانه با تک صندلی ارباب رجوع، میزی خلوت بدون کاغذ و پرونده و تنها موجودی روی میز ست رومیزی، کاغذ و قلمی بود و مجله گل آقا.

در همان ملاقات اول پیامی که گرفتم این بود: دکتر سیامک نژاد آدمی است



دانشکده شدم، به اقتضای شغلم دوباره باید وقت بیشتری برای آموزش دانشجویان در داروخانه می‌گذاشتم و اندک زمانی بعد هم مدیریت داروخانه ۱۳ آبان به عهده من گذاشته شد، که طبیعتاً در شورای مدیران داروخانه‌ها دکتر را که در آن موقع هم شرکت سهامی دارویی کشور بودند و هم داروخانه دکتر امینی را اداره می‌کرد، بیشتر می‌دیدم و هر بار در موقعیتی تصویری جدید تکمیل‌کننده تصویرهای قبلی و افزوده شدن ارزش به ارزش‌های قبلی بود. جدیت در کلام، عمل‌گرا، صریح، ارزش‌گذاری برای وقت، نظم و ترتیب در کارها، بدون حاشیه و سریع سراغ اصل مطلب رفتن، رودرپایستی نداشتن در عین رفاقت، رفیق در بیرون و همکار در محیط کار

خشک، جدی و سخت‌گیرانه محیط کار را در طبقه دوم داروخانه قدیم ۱۳ آبان جا گذاشته و با شور و حرارت با زیردستان خود فوتبال بازی می‌کند و همه را با اسم کوچک صدا می‌زند، حسین پاس، علی شوت و انگار مسابقه در تورنمنت جهانی است.

من مدت زیادی در داروخانه‌ها نبودم فقط هفته‌ای یک شیفت می‌رفتم اما هر بار تصویری از فضای دوگانه جدیت در محیط کار و دوستانه در محیط ورزشی و بیرون را از دکتر می‌دیدم تا این که در دوران دستیاری و تخصص تقریباً به ندرت شیفت داروخانه می‌رفتم ولی روزهای ورزش و شور و حرارت دکتر جاذبه خودش را داشت. تا این که سال آخر دستیاری که معاون آموزشی و پژوهشی

اولویت سنجی، مدیریت شرکت‌های متقاضی ارز با حضور در جلسات طولانی و پی در پی، استفاده از تمام ابزارهای مدیریت، رفتار و مدیریت در عملیات، مسافرت به شرکت‌های دارویی واقع در شهرستان‌ها و رسیدگی به مشکلات آن‌ها در محل و... و در گذراندن آن دوران به‌خصوص تجربه‌های

خوبی که دکتر سیامک نژاد در دوران مدیریت شرکت سهامی دارویی کشور کسب کرده بود، برای من و همکارانم ارزشمند و ستودنی بود. این دوران نیز در کنار ناملایمات ناشی از سختی کار همکاری با دکتر سیامک نژاد، روابط دوستانه تر و نزدیکتر را رقم زد، به گونه ای که پس از آن هم که من به دانشگاه و صنعت رفتم و ایشان در شرکت‌های پخش دارو فعال بودند، این روابط دوستی و شاهد رفتارها و کردارهای با اصالت ایشان ادامه یافت و طی نزدیک به سی سال گذشته تبدیل به ارتباط مستمر و دوستی پایداری گردید که همواره در کنار دوستان دیگر، در قالب هیئتی از همکاران داروساز ادامه یافت و خدا را شاکرم که حاصل این دوستی و رفاقت خاطرات آموزنده و نام نیک از دکتر سیامک نژاد نزد من و دیگر دوستان بوده است.

"روانش شاد و آمرزیده الهی"



و متعهد به انجام آنچه به عهده او گذاشته شده، انتظار انجام کار درست و کامل از طرف همکاران، بابت کم کاری‌ها کوتاه نمی‌آید و این نارضایتی را با اخم نشان می‌دهد، تفکیک محیط کار با نشست‌های دوستانه و... ده‌ها خصلت ارزشی دیگری بود که به عنوان همکار ایشان در شورای مدیران داروخانه‌ها می‌دیدم. دوره‌ای هم در وزارت بهداشت همکار بودیم، سال ۱۳۷۷ من مدیرکل دارو بودم و ایشان قائم مقام معاونت غذا و دارو، آن دوران که باید از آن به عنوان یکی از دوران‌های سخت گذار یاد کرد، زمانی بود که دولت آقای خاتمی تشکیل شده بود و روابط ایران با اروپا در بسیاری از زمینه‌ها متوقف بود، نفت به پایینترین قیمت خود رسیده و دولت در تامین اندک ارز مورد نیاز دارو که به زور و زحمت به ۳۵۰ میلیون دلار می‌رسید، مانده بود. به راستی دوران سختی بود. سخت کوشی، وظیفه شناسی،